

کاوش‌نامه ادبیات تطبیقی (مطالعات تطبیقی عربی - فارسی)

دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه رازی، کرمانشاه

سال هفتم، شماره ۲۶، تابستان ۱۳۹۶ هـ ش / ۱۴۳۸ هـ ق / ۲۰۱۷ م، صص ۶۳-۸۴

## بررسی تطبیقی مضامین مدح علوی در اشعار «سنایی غزنوی» و «حیص بیص»<sup>۱</sup>

مریم رحمتی ترکشوند<sup>۲</sup>

استادیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران

بهاره رحیمی<sup>۳</sup>

دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات عربی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران

### چکیده

«سنایی» و «حیص بیص»، از جمله شاعران مدح علوی در ادبیات فارسی و عربی قرن ششم هجری هستند؛ در مدایح علوی این دو شاعر، همسان‌اندیشی‌ها و درون‌مایه‌های یکسانی دیده می‌شود که با توجه به ارتباط تاریخی بین دو شاعر، دلیلی بر تعاملات و مبادلات ادبی آن‌هاست. پژوهش حاضر بر اساس تجربه ادبیات تطبیقی اسلامی و با روش تاریخی و توصیفی - تحلیلی، به بررسی تطبیقی مضامین مدح علوی در دیوان دو شاعر می‌پردازد. مهم‌ترین یافته‌های این مقاله نشان می‌دهد که مضامینی مانند امامت علی (ع)، شجاعت، علم، سخاوت و بخشندگی، عدالت، تقوا، شهادت‌طلبی، کرامات حضرت و مقام و منزلت والای ایشان، از جمله مضامین مشترک مدایح علوی در دیوان دو شاعر است. حیص بیص در ترسیم این فضایل و بیان این مضامین، تحت تأثیر سنایی بوده و همان مضامین را به صورت مستقیم در اشعار مدحی خود منعکس کرده است. شاعر عرب، با تأثیرپذیری از سبک بیان سنایی، همانند او با استفاده از آیات و احادیث و پرهیز از اغراق و آرایش‌های لفظی، به ترسیم فضایل علی (ع) پرداخته است. البته ابیات مدحی سنایی بیشتر و گسترده‌تر بوده و آگاهی وی از احادیث مرتبط با مناقب حضرت، بیشتر است؛ زیرا سنایی در برخی موارد مانند اشاره به احادیث مرتبط با پیوند امام علی (ع) و حضرت محمد (ص)، به ذکر جزئیات بیشتری می‌پردازد. همچنین علی (ع) در شعر هر دو شاعر، به عنوان نماد علم و شجاعت و عدالت معرفی شده است.

**واژگان کلیدی:** ادبیات تطبیقی، شعر فارسی و عربی، مدح علوی، سنایی، حیص بیص.

۱. تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۲/۶

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۶/۲۳

۲. رایانامه نویسنده مسئول: Maryam\_rahmati85@yahoo.com

۳. رایانامه: baharehrahimi7@gmail.com

## ۱. پیشگفتار

### ۱-۱. تعریف موضوع

تأثیر و تأثر فرهنگی میان فارسی و عربی، از زمان‌های پیش از اسلام آغاز شد و پس از فتح ایران، توسط قوم عرب و همراه با سکونت آنان در سرزمین‌های ایرانی، این ارتباط و آشنایی بیشتر شده و روابط و مبادلات فرهنگی و ادبی بین دو قوم گسترده شد؛ ادبیات دینی، از جمله زمینه‌های مشترک تأثیر و تأثر ادبی بین دو قوم فارس و عرب در طول تاریخ است که بررسی آن به دلیل هویت اسلامی دو ملت، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. مدح علوی، از جمله مضامین مهم ادبیات دینی است که پس از مدایح نبوی، مورد توجه شاعران فارسی و عربی قرار گرفته و شاعران زیادی در این زمینه هنرنمایی کرده‌اند. «حیص بیص» شاعر توانای عرب‌زبان قرن ششم هجری، از جمله شاعرانی است که به فن مدایح علوی توجه داشته و در اشعار خود به ذکر مناقب و جنبه‌های مختلف زندگی علی (ع) پرداخته است. او با آگاهی کامل از آثار ادبی سنایی - شاعر فارسی اواخر قرن پنجم و اوایل قرن ششم هجری -، مواردی از مضامین مدح علوی وی را وام گرفته و تحت تأثیر مستقیم شاعر فارسی‌زبان قرار گرفته است؛ اما دیوان‌های او از دید پژوهشگران دور مانده و تا کنون کسی نامی از وی نبرده است. پژوهش حاضر، پس از نگاهی بر زندگی «سنایی»<sup>(۱)</sup> و «حیص بیص»<sup>(۲)</sup> و پیوندهای ادبی میان دو شاعر، به بررسی تطبیقی مضامین مشترک مدح علوی در اشعار دو شاعر بر اساس نظریهٔ (تجربه) ادبیات تطبیقی اسلامی پرداخته است.

### ۱-۲. ضرورت، اهمیت و هدف

شعر شیعی به عنوان یکی از شاخه‌های مهم ادبیات متعهد، نقش مهمی در بیان احساسات شاعران به مذهب شیعه ایفا نموده است؛ لذا شناساندن فرهنگ شیعی گذشته و پژوهش در این باره، به‌ویژه شناساندن شاعران بزرگی که به خاطر شیعی بودن، گمنام هستند، امری ضروری است و از طرفی دیگر، لزوم بررسی فن مدح علوی به عنوان یکی از شاخه‌های مدیحه‌سرایی و بررسی شعر حیص بیص که از دید پژوهشگران مهجور مانده است، این پژوهش را ضروری می‌نماید. هدف پژوهش علاوه بر تحقیق پیرامون سیر تحول مدایح علوی فارسی و عربی در شش قرن اول اسلامی، اثبات رابطهٔ تاریخی بین سنایی و حیص بیص و کشف تعاملات ادبی بین دو شاعر و درک تأثیر و تأثر ادبی آنهاست.

### ۱-۳. پرسش‌های پژوهش

- مضامین مدح علوی سنایی چگونه در اشعار حیص بیص انعکاس یافته است؟
- علی (ع) ° به عنوان حقیقتی دینی - در شعر سنایی و حیص بیص نماد چیست؟

#### ۴-۱. پیشینه پژوهش

در زمینه شعر شیعی و مدح اهل بیت، در دیوان شاعران عربی و فارسی، پژوهش‌های گوناگونی صورت گرفته است. در مورد سیمای علی (ع) در آثار سنایی نیز پژوهش‌هایی انجام شده که از آن جمله می‌توان به مقاله «سیمای امام علی (ع) در شعر سنایی» مرادی و چالاک (۱۳۸۹: ۵-۳۷) اشاره کرد؛ نویسندگان در مقاله مذکور به ذکر احادیث مربوط به مناقب و فضایل علی (ع) پرداخته و در پایان هر یک از احادیث و روایات، به ذکر بیت یا ابیاتی از سنایی بدون هیچ‌گونه تحلیلی اکتفا کرده‌اند (۵-۳۷). مقاله دیگری نیز در این زمینه تحت عنوان «ستایش حضرت علی در اشعار ناصر خسرو و سنایی» توسط بیرانوند و همکاران نگاشته شده، این مقاله، اهل بیت پیامبر را به عنوان اسوه‌های حقیقی عرفان در شعر دو شاعر و عارف فارسی معرفی کرده و به مقایسه جایگاه حضرت علی (ع) در آثار ناصر خسرو و سنایی پرداخته است (بیرانوند و همکاران، ۱۳۹۴)؛ اما تا کنون پژوهش خاص و مستقلی در خصوص سیر تاریخی مدایح علوی در ادبیات عربی و فارسی در شش قرن اول هجری انجام نشده حاضر به عنوان اولین تحقیق در این زمینه، به بررسی تطبیقی مدح علوی در دیوان سنایی و حیص بیص و تبیین و اثبات جنبه تأثیرپذیری حیص بیص از سنایی می‌پردازد.

#### ۵-۱. روش پژوهش و چارچوب نظری

این پژوهش، با استفاده از روش تحقیق تاریخی و ارائه مستندات در روابط تاریخی از طریق جمع‌آوری اطلاعات از کتاب‌های معتبر تاریخی، به بررسی سیر تاریخی فن مدح علوی در شش سده اول هجری می‌پردازد؛ سپس با تکیه بر روش توصیفی - تحلیلی و با بهره‌گیری از منابع، اسناد و ابزار کتابخانه‌ای و همچنین استفاده از منابع اینترنتی، فرآیند پژوهش، پیش رفته و نخست با شرحی از زندگی دو شاعر و سپس بررسی تطبیقی مدح علوی با تحلیل شواهد درون‌متنی در اشعار دو شاعر انجام شده و به اثبات تأثیرپذیری حیص بیص از سنایی و غنابخشیدن به شعرش پرداخته است. همچنین پژوهش حاضر بر اساس نظریه اسلامی ادبیات تطبیقی صورت گرفته است؛ چراکه بر مشترکات فرهنگی و مذهبی جهان اسلام تأکید می‌کند.

#### ۲. پردازش تحلیلی موضوع

##### ۱-۲. مدح علوی در ادبیات عربی و فارسی تا قرن ششم هجری

ادبیات متعهد، ادبیاتی است که در راه خدمت به دین و شخصیت‌های بزرگ دینی و یاری‌رساندن به مجاهدان و رزمندگان به کار گرفته می‌شود. شعر شیعی، یکی از انواع ادبیات متعهد اسلامی است. «جنبش

تشیع، ادبیات عربی را تا حدّ زیادی پربار کرده است؛ زیرا موقعیتی که برای شیعیان به وجود آمد، به طور طبیعی باعث برانگیخته شدن عنصر عاطفه - که یکی از عنصرهای اصلی ادبیات است - گشت» (امین، ۱۹۶۴، ج ۳: ۳۰۰). تعهد شعر شیعی است که آن را در رأس دیگر آثار قرار داده، شاعر متعهد، به واسطه التزام خود به اصول و ارزش‌های دینی و عقیدتی، هرگز منافع و اغراض مادی و شخصی خود را در شعر دخیل نمی‌داند (انصاری، ۱۳۹۲: ۱۶۶-۱۶۷). مدح علوی به عنوان اولین شاخه شعر شیعی، از جمله فنونی است که در دوره‌های مختلف ادبیات عربی و فارسی، توسط شاعران متعهد شیعی در جهت اطاعت از دستورات قرآن کریم و پیامبر اسلام (ص) سروده شده است. این فن شعری، در حقیقت نتیجه عاطفه حبّ و از آثار عشق شاعران به حضرت علی (ع) است. هم‌زمان با ظهور اسلام، فنّ مدایح علوی در ادبیات عربی ظهور کرد و شاعران مختلف در این فن طبع آزمایی کردند. کعب بن زهیر، اولین شاعری است که در دیوان خود در کنار مدایح نبوی، به مدح علوی پرداخته است؛ وی در قصیده راثیه‌ای که در مدح علی (ع) سروده، چنین آورده است:

۱. إِنَّ عَلِيًّا لَمَيِّمُونَ نَقِيشُهُ  
بِالصَّالِحَاتِ مِنَ الْأَفْعَالِ مَشْهُورُ  
۲. صِهْرُ النَّبِيِّ وَخَيْرُ النَّاسِ مَفْتَحِرًا  
فَكُلُّ مَنْ رَامَهُ بِالْفَخْرِ مَفْخُورُ

(۱۹۹۷: ۴۱)

(ترجمه: ۱. نفس و خرد علی (ع) مبارک است و در انجام کارهای نیک شهره آفاق گشته است. ۲. او داماد پیامبر و مفتخرترین مردمان است و هر کس که خواهان دوستی او باشد، مفتخر به این عزّت و بزرگی است.)  
شاعران دیگری؛ از جمله حسّان بن ثابت، عمرو بن العاص و حجر بن عدی نیز در قرن اول هجری، مدایحی در منزلت امام اول شیعیان سروده‌اند. از بارزترین شاعران مدح علوی در قرن دوم هجری نیز می‌توان به ابو عدیّ الأموی، کمیت بن زید اسدی، سید حمیری و عبدی کوفی اشاره کرد. عبدی کوفی از جمله شاعرانی است که گفته شده «جز درباره اهل بیت شعری نسروده است» (محدثی، ۱۳۷۷: ۴۴-۴۵). او پس از اینکه به صورت کامل در قالب قصیده‌ای به مسئله امامت حضرت علی (ع) پرداخته، ایشان را چنین ستوده است:

۱. وَكُنْتَ قَطْبَ رَحَى الْإِسْلَامِ دَوْمَم  
وَلَا تَدْوُرُ رَحَى إِلَّا عَلَيَّ قُطْب  
۲. وَلَا تَسَاوَتْ بِكُمْ فِي الْعِلْمِ مَرْتَبَةٌ  
وَلَا تَمَاتَلْتُمْ فِي الْبَيْتِ وَالنَّسَبِ

(شیر، ۱۹۸۸، ج ۱: ۱۷۶)

(ترجمه: ۱. تو آهن سنگ زیرین آسیاب اسلام هستی و آسیاب تنها بر روی همان آهن می‌چرخد. ۲. دیگران در مرتبه علمی به پای شما نمی‌رسند و شما از نظر اصل و نسب نیکو مثل و مانند‌ی ندارید.)

شاعران قرن سوم هجری نیز در ستایش علی (ع) به عنوان یکی از نمادهای دینی غافل نبوده و ابوتمام، دعبل، ابن رومی، دیک الجنّ و ابو اسماعیل علوی از بارزترین چهره‌های مدح علوی در این قرن به شمار می‌آیند. دیک الجنّ، با استناد به سخنان پیامبر به مدح شخصیت علی (ع) و برادری وی با پیامبر پرداخته است تا تأثیر گذاری سخنش را بیشتر کند:

۱. إِنَّ الرَّسُولَ لَمْ يَزَلْ يَقُولُ وَالْخَيْرُ مَا قَالَ بِهِ الرَّسُولُ

۲. إِنَّكَ مِنِّي يَا عَلِيُّ الْأَبِي بَحِيثٌ مِنْ مُوسَاهُ هَارُونَ النَّبِيِّ

(دیک الجنّ، ۱۹۹۲: ۱۳۹)

(ترجمه: رسول خدا - که گفته‌هایش مایه خیر و سعادت است - همیشه می‌گفت: ۲. ای علی بزرگ‌منش، جایگاه تو نسبت به من همچون جایگاه هارون نسبت به موسی است.)

افزون بر مواردی که گذشت؛ شاعرانی مانند ابو فراس، ابن طباطبا، مفتح البصری، صنوبری، تنوخی، کشاجم، ناشی الصغیر، بشنوی کردی، صاحب بن عبّاد نیز از جمله شاعران برجسته فن مدح علوی در قرن چهارم هجری هستند که با استفاده از هنر شعری، ارادت خود به امام اول شیعیان را بیان کرده‌اند. به عنوان نمونه، ابو فراس حمدانی ضمن قصیده‌ای به ذکر ماجرای غدیر خم پرداخته و با دلیل و برهان، نعمت ولایت را حقّ علی (ع) می‌داند:

أَمَّا عَلِيٌّ فَقَدْ أَدْنَى قَرَابَتِكُمْ عِنْدَ الْوَلَايَةِ إِنْ لَمْ تُكْفَرَ النَّعْمُ

(۱۹۹۴: ۳۰۲)

(ترجمه: اما علی به سبب نزدیک‌تر بودن به پیامبر، شایسته مقام ولایت است اگر (از روی ظلم) منکر نعمت وی نشوید.)

شریف رضی، شریف مرتضی، مهیار دیلمی، ابوالعلاء معری نیز از جمله شاعران مدح علوی در قرن پنجم هجری به شمار می‌آیند که با طرفداری از علی (ع)، در مدح و ستایش ایشان اشعاری سروده‌اند؛ به عنوان مثال، مهیار دیلمی در قصیده‌ای ضمن اشاره به واقعه غدیر خم، منکران این واقعه را گمراه شدگان از راه حق دانسته و این ظلم را به خاطر حسادت به فضایل علی (ع) می‌داند:

فَمَلِئْتُمْ بِهَا حَسَدَ الْفَضْلِ عَنْهُ فَمَنْ يَكُ خَيْرَ السَّوْرِى يُحْسَدِ

(۱۹۲۵، ج ۱: ۲۹۹)

(ترجمه: شما از روی حسادت به فضل و برتری علی (ع) بر مقام ولایت چیره شدید، طبیعتاً هر کس بهترین مردمان باشد مورد حسادت قرار می‌گیرد.)

از جمله چهره‌های شاخص فنّ مدح علوی در ادبیات عربی قرن ششم، می‌توان به شاعرانی مانند ابن بطریق حلّی، ابن ابی الحدید، ملک الصّالح، سبط بن تعاویذی، ابن السّاعاتی و حیص بیص اشاره کرد. سبط بن تعاویذی، در ضمن قصیده‌ای که در رثای امام حسین (ع) سروده، به مدح علوی نیز پرداخته است؛ او ضمن سرزنش غاصبان حقّ ولایت علی (ع)، او را قاضی عادل و یاور مظلومان معرفی می‌کند:

۱. وَخَادَعْتُمْ إِمَامَكُمْ خَدَاعًا      أَتَيْتُمْ فِيهِ بِالْأَمْرِ الْقَرِيَّ  
 ۲. إِمَامًا كَانَ يُصِفُ فِي الْقَضَايَا      وَيَأْخُذُ لِلضَّعِيفِ مِنَ الْقَوِيَّ

(۱۹۰۳: ۴۶۰)

(ترجمه: ۱. شما امام خود را فریب داده و در حقّ وی امری شگفت‌آور مرتکب شدید. ۲. همان امامی که داوری عادل بود و حقّ ضعیف را از قوی بازمی‌ستاند.)

از آنجا که در دو قرن اول اسلامی، زبان کتابت، عربی بوده و فارسی نویسی امری نامعمول بوده است؛ لذا هیچ شعر فارسی‌ای در زمینه مدح علوی در این دو قرن به دست ما نرسیده است. «شعر فارسی از آغاز قرن سوم هجری در ایران رونق می‌گیرد؛ شعری که با آنکه ریشه در پیش از اسلام دارد، اما هم در شکل و هم در معنا از زبان عربی؛ یعنی زبان قرآن کریم و سنت نبوی و معارف اسلامی تأثیر می‌پذیرد و سخن گفتن از خدا، اسلام، قرآن، رسول الله (ص) و یاران وی و امامان (ع) فتح باب دیوان و دفتر هر شاعریست که در این سرزمین چشم به جهان گشوده و در گوشه و کنار بالیده است» (هادی، ۱۳۸۸: ۱۵۷). فنّ مدح علوی نیز در ادبیات فارسی هم‌زمان با رونق این شعر از جمله فنون مورد توجه شاعران فارسی‌زبان بوده است؛ رودکی و شهید بلخی از جمله شاعران فارسی مدح علوی در قرن سوم هجری هستند که به مدح و ستایش علی (ع) پرداخته‌اند؛ رودکی - پدر شعر فارسی - عشق به علی (ع) را مایه عزّت و آبرو در دو سرای دانسته است:

کسی را که باشد به دل مهر حیدر / شود سرخ‌رو در دو گیتی به آور

(۱۳۷۳: ۸۶)

در قرن چهارم و پنجم هجری، مدح علوی بیش از هر چیز در شعر تجلّی یافته است، از جمله شاعران برجسته مدایح علوی در این دو قرن، می‌توان از فردوسی توسی، منوچهری دامغانی، کسایی مروزی، عنصری، دقیقی توسی، ابو سعید ابوالخیر، ناصر خسرو قبادیانی و عبدالملک بنان نام برد. ابو سعید ابوالخیر از جمله شاعران قرن چهارم و پنجم است که ضمن بیان فضیلت‌های علی (ع)، عاجزانه از وی طلب یاری می‌کند:

ای حیدر شهسوار وقت مددست  
ای زبده هشت و چار وقت مددست  
من عاجزم از جهان و دشمن بسیار  
ای صاحب ذوالفقار وقت مددست

(بی تا: ۱۳)

در قرن ششم نیز شاعران پارسی گوی فراوانی به مدح و ثنای حضرت علی (ع) پرداخته‌اند. قوامی رازی، ابو المعالی رازی، سنایی غزنوی، عطار، خاقانی شروانی و رشیدالدین وطواط از جمله شاعران فن مدح علوی در این سده به شمار می‌آیند. قوامی رازی اشعار بسیاری در مدح امام علی (ع) دارد وی تمام فضیلت‌ها و مناقب پیامبران الهی را در وجود علی (ع) یکجا جمع دانسته و کسی را همتای او نمی‌داند:

در سخا و فضل و فرهنگ و شجاعت چو علی  
کو سواری کاسب جد و جهد را جولان دهد

(۱۳۳۴: ۱۱۳)

بنابراین، مدح علوی از جمله فنونی است که در شش قرن اولیة اسلامی مورد توجه شاعران فراوانی در دو زبان فارسی و عربی قرار گرفته است و از جمله مضامین مشترک مدح علوی در شعر شاعران فارسی و عربی می‌توان به مضامینی مانند مسئله امامت، علم، شجاعت و فضل و بخشش علی (ع) اشاره کرد.

## ۲-۲. بررسی تطبیقی مضامین مدح علوی در اشعار سنایی و حیص بیص

مضامین مدح علوی به عنوان یکی از شاخه‌های مهم مدیحه‌سرایی در ادبیات عربی و فارسی، از جمله مضامین مشترک اشعار سنایی و حیص بیص است؛ و جوه اشتراک و شباهت‌های اشعار علوی دو شاعر در این جستار به صورت تطبیقی مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

### ۲-۲-۱. امامت علی (ع) و مسئله غدیر خم

افزون بر اینکه تمام مفسران شیعه، آیه ۶۷ سوره مائده را درباره امامت علی (ع) می‌دانند که در روز اعلام جانشینی وی، در غدیر خم نازل شده است، در کتاب‌های مختلفی که دانشمندان اهل تسنن، اعم از تفسیر و حدیث و تاریخ نوشته‌اند، روایات زیادی دیده می‌شود که با صراحت می‌گویند: «آیه فوق درباره امام علی (ع) نازل شده است» که از آن جمله می‌توان به «فخر الرازی» در کتاب التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)، (۱۴۲۰، ج ۱۲: ۴۰۱) و «ابو الحسن الواحدی النیسابوری» در کتاب أسباب النزول، (۱۹۶۸: ۱۳۵) اشاره کرد. شیعیان امامت را چهارمین اصل از اصول دین دانسته و معتقدند که نصب و تعیین امام در اختیار مردم نبوده، بلکه تعیین امام از جانب پیامبر است که حضرت محمد (ص)، علی (ع) را پس از خود به عنوان امام مسلمانان تعیین کرده است (ابن خلدون، ۲۰۰۴، ج ۱: ۳۷۳) و این مقام از علی (ع) و فرزندان ایشان خارج نمی‌شود،

مگر اینکه از طرف دیگر حاکمان در حق ایشان ظلم شود یا اینکه ایشان (به خاطر مصلحت مسلمانان) تقيه پيشه کنند (شهرستانی، ۱۹۹۲، ج ۱: ۱۴۴). در دوران مختلف تاریخ ادبیات عربی و فارسی، شاعران به دفاع از این عقیده مهم شیعی پرداخته و در اشعار خود پیرامون آن سخن گفته‌اند؛ مسئله امامت و جانشینی پیامبر، یکی از مضامین مدح علوی در دیوان سنایی است. او به صورت تلمیحی و با اشاره به قسمتی از متن حدیث غدیر که پیامبر فرمودند «هر کس که من مولای اویم پس علی مولای اوست پروردگارا دوست بدار و سرپرست کسی باش که او را دوست دارد و دشمن بدار کسی را که با او دشمن است» (طبری، ۱۳۵۶: ۶۷)، اشعاری در این زمینه سروده است:

بهر او گفته مصطفی به آله کای خداوند وال من واله

(بی تا: ۱۲۸)

یا درجایی دیگر امام را جانشین پیامبر دانسته و به واقعه غدیر اشاره می‌کند:

نائب مصطفی به روز غدیر کرده در شرع مر ورا به امیر

(همان: ۱۲۷)

حیص بیص نیز با الهام از این حقیقت تاریخی، همچون سنایی، اما به صراحت، متن خطبه پیامبر در روز غدیر خم را دلیل محکمی بر اثبات حق ولایت علی (ع) دانسته است:

وتص حدیث بالغدیر دلالة علی نفی أضرابٍ وبعدٍ مُساجل

(۱۹۷۴، ج ۱: ۱۳۱)

(ترجمه: متن حدیث پیامبر در روز غدیر خم، خود دلیل واضحی بر نفی رقیبان و مدعیان خلافت است.)

هر دو شاعر بدون کمک گرفتن از آرایه‌های ادبی و در ضمن اشعاری ساده و روان، به بیان این مسئله و تبلیغ آن پرداخته‌اند؛ زیرا هر دوی آن‌ها، خطبه پیامبر اسلام در روز غدیر خم را که برای اولین بار در قرن ششم نیز به فارسی ترجمه شده بود، دلیل محکم و مهر تأییدی برای اثبات برحق علی (ع) بر جانشینی رسول خدا دانسته و نیازی به تأکید بیشتر بر آن از طریق فن شعری خود نمی‌بینند.

## ۲-۲-۲. شجاعت علی (ع)

شجاعت و دلاورمردی، از جمله فضایل نفسانی علی (ع) است که در طول تاریخ توسط مورخان بی‌شماری به ثبت رسیده و در مورد آن سخن‌ها گفته شده است. در حدیث مسندی از علی (ع) در این باره نقل شده است که «خداوند چنان شجاعتی به من بخشیده است که اگر بین تمامی اشخاص ترسو تقسیم شود، به وسیله

آن شجاع می‌شوند» (المجلسی، ۱۹۸۳، ج ۱۹: ۹۰). این مضمون، یکی از مضامین مشترک در مدح امام اول شیعیان در دیوان سنایی و حیص بیص است. سنایی در ابیات بسیاری به شجاعت حضرت اشاره کرده است؛ او در ابیاتی، حضرت را در شجاعت به شیر تشبیه کرده و معتقد است که هیبت ایشان، لرزه بر اندام دشمنان می‌افکند و زمانی که علی (ع) تنها خشم خود را با نشان دادن دندان‌هایش به دشمن بیان می‌کند، دنیا بر دشمن تنگ می‌شود و هیچ راه فراری ندارد:

لطف او بود لطف پیغمبر عطف او بود شیر شزره نر

(بی تا: ۱۲۷)

چون نمود او به دشمنان دندان تنگ شد بر عدو جهان چو دهان

(همان: ۱۳۰)

شاعر فارسی‌زبان، برای به تصویر کشاندن شجاعت علی (ع) از تشبیه بلیغ بهره گرفته و در مصراع اول بیت دوم از نفوذ و تأثیر کنایه بر ذهن مخاطب غافل نبوده است. وی با طبعی لطیف و ذوقی سرشار، مفاهیم و معانی عمیق را به امور محسوس در قالب کنایه ریخته است. کنایه موجود در عبارت «دندان از دور نمودن» که کنایه از خشمگین شدن و بدگمانی به دشمن است. این امر از تبحر هنری خاص شاعر سرچشمه می‌گیرد. در حقیقت او با بیان این کنایه می‌خواهد بگوید که علی (ع) چنان شجاع است که دشمن از خشم او می‌ترسد چه برسد به جنگاوری حضرت (ع).

در مصراع دوم، در پی جلب توجه مخاطب برای رساندن پیام خود از جناس لاحق موجود در واژه‌های «جهان» و «دهان» بهره گرفته است؛ زیرا جناس، به‌ویژه جناس ناقص، به دلیل موسیقی گوش‌نواز خود، جاذبه بیشتری دارد و موجب نوعی هم‌آوایی و توازن ناقص واژگانی می‌شود. حیص بیص نیز با بهره‌گیری از هنر شعری خود، شجاعت حضرت را این‌گونه وصف کرده است:

۱. شدید مضاء البأس یعنی بلاؤه إذا رجموه بالقنا والقنايل  
۲. له عصفه بالمشركين كأنها زعازع خرق أسفت بالقلاقل

(۱۹۷۴، ج ۱: ۱۳۱)

(ترجمه: ۱. دلاوری و عزم و اراده استوارش، او را از آزمودن در پیکارهای سخت و در مقابله با نیزه‌ها و جنگاوران سرسخت بی‌نیاز می‌کند. ۲. در حمله به مشرکان چنان شدت و قدرتی دارد که گویی زلزله‌ای است که گرد و خاک برانگیخته و همه‌جا را ناآرام کرده است.)

تشبیه در علم بلاغت از جایگاه و اهمیت زیباشناختی بالایی برخوردار است؛ زیرا معانی پنهان را آشکار، دور را نزدیک و بر والایی و تبیین معانی می‌افزاید و به آن زیبایی می‌بخشد. شاعر عرب نیز برای تأثیرگذاری بیشتر سخن خود و نشان دادن آن در جان مخاطبان و تبیین معانی، از صنعت تشبیه بهره برده است. شاعر در بیت دوم از تشبیه مجمل استفاده کرده و «کأنَّ» از میان ادوات تشبیه از قوی‌ترین ادوات است؛ زیرا همانندی و اتحاد میان «مشبه» و «مشبه‌به» در مواردی که از آن استفاده می‌شود، قوی‌تر است؛ لذا شاعر با علم به قوت این ادوات، آن را برای تشبیه می‌آورد. حضرت (ع) را به زلزله تشبیه می‌کند. وی برای ملموس نمودن لرزه انداختن به اندام دشمن، از این تشبیه بهره گرفته است؛ همچنین به تبعیت از اشعار سنایی، با برقراری جناس مذیل بین واژگان «القنا» و «القنابل»، بر تأثیر موسیقایی کلام خود افزوده است.

جنگاوری حضرت، یکی از مضامینی است که سنایی در ضمن مدایح نبوی خود به آن پرداخته است، وی پیرامون جنگاوری و شجاعت علی (ع) در جنگ صفین چنین سروده است:

حیدر کرار کو کاندلر مصاف از بهر دین در صف صفین ستم از لشکر مروان کشد

(۱۳۴۱: ۱۰۳)

در بیت مذکور، سنایی به صورت تلمیحی به ستم‌هایی که لشکر دشمن در حق علی (ع) روا داشته، اشاره کرده است. حیص بیص این مضمون را از شعر سنایی برگرفته، اما به صورت مستقیم به پیکار حضرت و عمرو بن عاص و حيله گری عمرو برای نجات جان خویش و جوانمردی علی (ع) اشاره کرده است. وی خطاب به شخصی چنین آورده است:

۱. لا تحسبني أحجمتُ عن خورٍ  
أو حصر في اللسان لم أقل  
۲. فبُعْ مخازيك هازم شرفي  
سوءة عمرو ثت سنان علي

(۱۹۷۴، ج ۲: ۳۳۴)

(ترجمه: ۱. نپندار که من به خاطر ترس و ضعف و لکت در زبان عقب‌نشینی کرده و سخنی نگفته‌ام. ۲. خواری و بی‌آبرویی تو عفت و نجابت مرا رام کرد؛ همان‌گونه که عمل زشت عمرو بن عاص، سرنیزه علی (ع) را متقاعد به انصراف نمود.)

یکی از ویژگی‌هایی که شعر دو شاعر را به هم نزدیک‌تر کرده و بر ارتباط ادبی آن‌ها تأکید دارد، این است که سنایی و حیص بیص در اشعار خود، شجاعت علی (ع) را در خدمت دفاع از دین و مبارزه با مشرکان می‌دانند:

ذوالفقاری که از بهشت خدای  
آوردش به نزد پیغمبر  
بفرستاده بود شرک زدای  
گفت کاین هست بابت حیدر  
تا بدو دینت آشکار کند  
لشکر کفر تار و مار کند

(بی تا: ۱۲۷)

حیص بیص نیز همانند سنایی، علی (ع) را نابودکننده بنای شرک و آشکارکننده دین حق می داند:

مُلْقِي عَمُودِ الشَّكِّ بَعْدَ قِيَامِهِ      وَ مُبِينُ دِينِ اللَّهِ بَعْدَ كُمُونِ

(۱۹۷۴، ج ۳: ۴۱۶)

(ترجمه: او پایه‌های بنای شرک را فروریخته و دین خدا را بعد از پنهان‌بودن، آشکار کرد.)

شاعر در این بیت همان مضمونی را که سنایی به آن اشاره کرده، به تصویر کشیده است. از آنجا که سنایی از واژگان متضاد «دین و شرک» بهره گرفته، حیص بیص نیز از «دین و شک» و «آشکار و پنهان» بهره گرفته که موجب رسایی و تأثیرگذاری شعر ایشان شده است.

### ۲-۳. عدالت علی (ع)

یکی از فضایی که علی (ع) در طول تاریخ بدان شهرت یافته و همگان به آن اقرار دارند عدالت و قضاوت صحیح ایشان است. پیامبر اسلام در حدیثی، او را عادل‌ترین و عالم‌ترین امت بعد از خود معرفی کرده است (المجلسی، ۱۹۸۳، ج ۴۰: ۱۴۱). سنایی نیز ایشان را بدین صفت ستوده و او را قاضی عادل و امین می داند:

بادی عدل جوی همچو بهار      حاکمی سخت مهر و سست مهار  
شرف شرع و قاضی دین او      صدف در آل یاسمین او

(بی تا: ۱۲۷ و ۱۲۹)

حیص بیص، این مضمون را از اشعار مدحی سنایی برگرفته و در ساختار شعری خود به کار گرفته است:

جَرِيءٌ إِلَى قَوْلِ الصَّوَابِ لِسَانُهُ      إِذَا مَا الْفِتَاوَى أَفْحَمَتْ بِالْمَسَائِلِ

(۱۹۷۴، ج ۱: ۱۳۱)

(ترجمه: در همه مسئله‌های سخت که دیگران از حل آن عاجزند، زبان وی به سخن درست جاری است.)

البته هر دو شاعر، با آگاهی از حدیث شریف نبوی به این ویژگی حضرت علی (ع) پرداخته‌اند، آنجا که حضرت محمد (ص) می فرماید: «وهو الفاروق يفرق بين الحق والباطل» (ترجمه: تنها علی (ع) فاروق است که حق را از باطل جدا می کند). (الطوسی، ۱۳۸۵: ۲۵۱) در این حدیث آمده است «هو الفاروق»: تنها او فاروق است.

علمای بلاغت، در مورد معرفه آوردن خبر معتقدند: «هر گاه خبر، معرفه به لام باشد این تعریف مفید قصر است» (بسیونی، بی تا، ج ۲: ۵۴)؛ و در اینجا فاروق با وجودی که خبر است و قاعدتاً باید نکره می آمد معرفه به لام است تا این نکته را متذکر شود که تنها علی (ع) فاروق (جداکننده حق از باطل) است؛ بنابراین، علی (ع) عدل مجسم است.

حیص بیص نیز همچون سنایی، با بهره گیری از مضمون سخن پیامبر (ص)، علی (ع) را به عنوان قاضی عادل معرفی می کند و معتقد است که تنها علی (ع) است که می تواند در روز نزاع و درگیری، هر مسئله مبهم و پیچیده‌ای را حل نماید:

مَا أَشْكَلَتْ يَوْمَ الْجُدَالِ قَضِيَّةٌ إِلَّا وَوَدَّ لَهَا شُكَّاهُ بَيْقِينَ

(۱۹۷۴، ج ۳: ۴۱۶)

(ترجمه: در روز نزاع و درگیری، هیچ مسئله‌ای پیچیده و مبهم نمی ماند مگر اینکه علی (ع) آن را حل می کند.) شاعر در این بیت، از اسلوب قصر استفاده کرده است. او از شیوه نفی و استثنا که نسبت به شیوه‌های دیگر قصر بیشتر و کاربرد آن گسترده تر است برای رساندن پیام خود بهره جسته است. این روش، هنگامی به کار می رود که مخاطب نسبت به حکم گوینده در موضع تردید باشد. در این بیت، برای بیان اینکه تنها علی (ع) حلال مشکلات است از این شیوه بلاغی نهایت استفاده را برده است، زیرا خواننده در این امر تردید دارد و شاعر برای تأکید کلام خود از آن استفاده کرده است.

## ۲-۲-۴. سخاوت و بخشش علی (ع)

از اخلاق خاص علی (ع)، سخاوت و بخشش ایشان بود که آیات و روایات گوناگونی در مدح بخشش و کرم ایشان روایت شده است. بیشتر مفسران معتقدند که آیه «وَيُطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَىٰ حَيْثُ مَسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسْرًا» (انسان/ ۸) و آیه «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ» (مائده/ ۵۵). آیاتی است که به خاطر بخشندگی علی (ع) و خانواده وی نازل شده است. سنایی با الهام از آیه ۵۵ سوره مائده، به بخشندگی حضرت در حال رکوع پرداخته است:

در قیام و قعود عود او کرد      در رکوع و سجود جود او کرد  
خاتم اینجا بداد بر در راز      ملک آنجا عوض ستد باناز

(بی تا: ۱۳۰)

«مراعات نظیر از لوازم اولیّه سخن ادبی است؛ یعنی در مکتب قدیم، سخن نظم و نثر وقتی ارزش پیدا می کند

که مابین اجزای کلام تناسب و تقارن وجود داشته باشد» (همایی، ۱۳۸۹: ۱۷۰). سنایی در بیت اول از واژه‌های قیام و قعود و رکوع و سجود که مربوط به نماز هستند بهره گرفته است. به هر حال بهره‌گیری از این صنعت در شعر سنایی، باعث تناسب و زیبایی ویژه‌ای در کلام شده و نفوذپذیری سخن را بیشتر می‌کند. حیص بیص نیز با الهام از آیه ۸ سوره انسان، علی (ع) را به واسطه بخشندگی ستوده است:

وَإِذَا أَنْطَوَى رَمَقُ الْأَضَالِعِ وَقَرُّوا  
مَيْسُورَ زَادَهُمْ عَلَيَّ الْمُسْكِينِ

(۱۹۷۴، ج ۳: ۴۱۶)

(ترجمه: آنگاه که از شدت گرسنگی به سختی افتند، باز هم غذای اندک خود را به مسکین می‌بخشند.)  
شاعر عرب به روایت مشهوری اشاره دارد که اهل بیت پیامبر در طی سه روز روزه گرفتن، افطاری خود را به نیازمند بخشیدند.

## ۲-۵. تقوای علی (ع)

یکی از درون‌مایه‌های اشعار مدح علوی دو شاعر، سخن درباره تقوا و پرهیزگاری علی (ع) است که از بارزترین فضائل و خصوصیات اخلاقی ایشان است. سنایی، در بیان تقوای پیشگی علی (ع)، نفس او را رام و مطیع پروردگار یکتا می‌داند. آنچه را که بیت زیر فرایاد می‌آورد، تأکید آیه ۳۳ سوره «احزاب» (آیه تطهیر) است:

نفس او را چو دیو چاهی بود چرخ او را رسن الهی بود

(بی تا: ۱۳۰)

حیص بیص، نیز امام را روی گردان از خواهش‌ها و لذت‌های نفسانی و مشتاق به پرهیزگاری و مکارم اخلاق می‌داند:

صَدُوفٌ عَنِ الزَّادِ الشَّهِيِّ فَوَّادُهُ  
رَغِيبٌ إِلَى زَادِ التَّقَى وَالْفَضَائِلِ

(۱۹۷۴، ج ۱: ۱۳۱)

(ترجمه: دلش از هواپرستی روی گردان است و به سوی زاد و توشه تقوا و فضایل اخلاقی مایل است.)  
بدون شک، استفاده از واژه‌های متضاد در زبان، علاوه بر برجسته‌سازی آن‌ها، در انتقال مفهوم مؤثر بوده و هریک معنای دیگری را تقویت می‌کند. شاعر عرب در این بیت با آگاهی از نقش خاص تضاد در برجسته‌سازی و تقویت کلمات، میان واژه‌های «صدوف عن روی گردان، رغیب الی: مایل به» و «التقی: تقوا، الشَّهِي: هواپرستی» تضاد لفظی ایجاد کرده است و این طباق در حقیقت مَهْرِي بر معنی می‌زند و معنای شعر را تأکید می‌کند؛ و هدف شاعر از به کار بردن تضاد در بیت، تأکید بر تقوای حضرت (ع) است.

## ۲-۲-۶. علم و یکتاپرستی علی (ع)

از جمله مضامین مدح علوی در دیوان سنایی و حیص بیص، مدح جایگاه علمی علی (ع) است که در طول تاریخ، آیات و روایات بسیاری در اثبات آن ذکر شده است. رسول خدا، در حدیث مشهوری خود را شهر علم و علی (ع) را دروازه آن خوانده است که هر کس قصد ورود به شهر علم را کند باید از دروازه آن وارد شود (المحوزی و همکاران، ۲۰۰۳: ۱۲۲). سنایی، با اشاره مستقیم و استفاده از واژگان آیه «وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ يَقُولُونَ آمَنَّا بِهِ كُلٌّ مِنْ عِنْدِ رَبِّنَا» (آل عمران/ ۷)، علی (ع) را ثابت قدم و صاحب نظر در علم و دانش و آگاه از اسرار الهی دانسته است:

هر که تن دشمنست و یزدان دوست      داند الراسخون فی العلم اوست  
کاتب نقشش نامه تنزیل      خازن گنجش نامه تأویل

(بی تا: ۱۲۸)

حیص بیص نیز با اقتباس از این کلام پیامبر (ص) «یا علی تو را مژده باد که تو انزع و بطین هستی، یعنی کنده شده از شرک و شکمو نسبت به علم و دانش» (مکی خوارزمی، ۱۳۸۷: ۴۳۷)، به علم دوستی حضرت اشاره کرده است:

وَأَنْزَعُ مِنْ شِرْكِ الْإِلَهِ مُبْرُؤُ  
بَطِينٍ مِنَ الْأَحْكَامِ جَمُّ التَّوَافِلِ

(۱۹۷۴، ج ۱: ۱۳۱)

(ترجمه: او از شرک ورزیدن به خداوند پاک و مبرا است و سرشار از علوم و احکام و فرایض دینی است.)

## ۲-۲-۷. کرامات و مقام و منزلت علی (ع)

از جمله کرامات علی (ع) که به عنوان معجزه الهی از آن یاد می‌شود، جریان ردّ الشَّمس است. در روایات متعدد شیعه و سنی نقل شده است که در یکی از روزها که نماز عصر حضرت قضا شد، با درخواست پیامبر و به اذن خداوند خورشید پس از غروب، دوباره طلوع کرد تا ایشان نماز خود را ادا کنند (المجلسی، ۱۹۸۳، ج ۱۷: ۳۹۸). این قضیه به عنوان یکی از موضوعات مسلّم تاریخی در شعر سنایی به تصویر کشیده شده است، وی معتقد است که حسرت فراوان امام از قضا شدن نماز سبب شد که خورشید برای ایشان باز گردد:

قَوْتُ حَسْرَتِش ز فَوْتُ نَمَازِ      داشتته چرخ را ز گلشن باز  
تا دگر باره برنشاند به زین      خسرو چرخ را تهمتین دین

(بی تا: ۱۲۹)

حیص بیص، با آگاهی از این حادثه، آن را به عنوان یکی از کرامات حضرت این گونه به تصویر می کشد:

أَعِدَّتْ لَهُ شَمْسُ الْأَصِيلِ جَلَالَةً      وَقَدْ حَالَ ثَوْبُ الصَّبِيحِ فِي أَرْضِ بَابِلِ

(۱۹۷۴، ج ۱: ۱۳۱)

(ترجمه: خورشید غروب کرده با شکوه و جلال برایش برگردانده شد در حالی که لباس صبح در سرزمین بابل دگرگون شد.)

یکی دیگر از افتخارات حضرت علی (ع)، نازل شدن سوره انسان در شأن و مقام ایشان است، سنایی، با اشاره به این حادثه مهم تاریخی، در ضمن مدایح علوی خود، بخشش حضرت را دلیل نزول این سوره می داند:

از پی سائلی به یک دو رغیف      سورت هل آتی ورا تشریف

(بی تا: ۱۲۹)

حیص بیص، نیز این مضمون را از اشعار سنایی، وام گرفته و همانند او، دلیل نازل شدن این سوره را بخشندگی حضرت دانسته است:

وَفِي هَلْ آتَى مَا يَعْلَمُ النَّاسُ أَمْرَهُ      ثَاءً بِأَوْصَافٍ وَمَدْحٍ لِنَائِلِ

(۱۹۷۴، ج ۱: ۱۳۱)

(ترجمه: سوره انسان - که مردم به کنه آن پی نبردند - دربر دارنده مدح و ستایش فضایل اهل بیت و بخشندگی آن هاست.)

پیامبر اسلام (ص)، بارها در بیان برتری مقام و منزلت علی (ع)، ایشان را برادر خود خوانده و در حدیثی، جایگاه او را نسبت به خود، مانند جایگاه هارون نسبت به موسی دانسته است (مغنیه، ۲۰۰۶: ۸۵). یکی از درون مایه های اشعار مدحی سنایی، اشاره به مضمون همین حدیث است، وی در ابیاتی، علی (ع) را دارنده فضایل رسول خدا معرفی می کند:

او چو موسی علی ورا هارون      هر دو یک رنگ از درون و برون

(بی تا: ۱۰۱)

با اثری اثری برابر شد      چون علی با نبی برادر شد

(همان: ۱۲۸)

کاربرد جناس اشتقاق در دو واژه «ثریاً» و «ثری» و جناس لاحق موجود در «برابر» و «برادر» بر موسیقی کلام افزوده و تأثیر آن را در جان مخاطبان دوچندان کرده است.

حیص بیص، نیز با اشاره به برادری علی (ع) با پیامبر (ص)، حضرت (ع) را دارنده تمام فضایل انسانی دانسته که زبان و هنر شعری وی از بیان آن‌ها عاجز است:

۱. صِنُو النَّبِيِّ رَأَيْتُ قَافِيَتِي  
أوصاف ما أوتيت لا تَسْعُ  
۲. فجعلتُ مدحي الصِّمْتِ عن شرفٍ  
كلُّ المدائحِ دُونَهُ تَقْفَعُ  
۳. مَاذَا أَقُولُ وَكُلُّ مُقْتَسِمٍ  
بين الأفاضلِ فيك مجتمِعُ

(۱۹۷۴، ج ۲: ۱۳)

(ترجمه: ۱. ای برادر صمیمی پیامبر! قصاید من ظرفیت بیان تمام ویژگی‌های تو را ندارد. ۲. مدح و ستایش خود را سکوت در برابر شرف و بزرگی تو قرار دادم که تمام مدح‌ها به پایش می‌افتد. ۳. چه بگویم در حالی که هر برتری‌ای که در میان بزرگان تقسیم شده است در تو (به صورت یکجا) جمع شده است.) علاوه بر موارد مذکور، سنایی، در ضمن مدایح علوی خود، علی (ع) را مایه فخر اهل بیت پیامبر دانسته است:

آل یاسین شرف بدو دیده ایزد او را به علم بگرییده

(بی تا: ۱۲۷)

حیص بیص، نیز به تبعیت از شاعر فارسی‌زبان، به افتخار کردن اهل بیت (ع) به علم و تقوا و یکتاپرستی امام (ع) اشاره کرده است:

وَإِذَا تَفَاخَرَتِ الرِّجَالُ بِسَيِّدٍ  
فَخَرُوا بِأَنْعَرَ فِي الْعُلُومِ بَطِينٍ

(۱۹۷۴، ج ۳: ۴۱۶)

(هنگامی که مردمان به خاطر وجود سید و سروری فخرفروشی کنند؛ اهل بیت (ع) به یکتاپرستی و علم سرشار علی (ع) افتخار می‌کنند.)

آنچه شعر دو شاعر را به هم نزدیک می‌کند آن است که هر دو معتقدند اهل بیت (ع) به علم و تقوای امام افتخار می‌کنند.

## ۲-۸. شهادت طلبی علی (ع)

روحیه شهادت طلبی، یکی از ویژگی‌های بارز علی (ع) است که در طول تاریخ، روایات گوناگونی شوق به شهادت در گفتار و عمل وی را به ثبت رسانده‌اند. حضرت علی (ع) در نهج البلاغه، گرامی‌ترین مرگ‌ها را کشته شدن در راه خدا می‌داند و در این باره چنین می‌فرماید: وَالَّذِي نَفْسُ ابْنِ أَبِي طَالِبٍ بِيَدِهِ لَأَلْفُ صَرِيَّةٍ بِالسَّيْفِ أَهْوَنُ عَلَيَّ مِنْ مِيتَةِ عَلِيِّ الْفِرَاشِ فِي غَيْرِ طَاعَةِ اللَّهِ (خطبة ۱۲۳): (ترجمه: سوگند به آن کس که جان پسر ابوطالب در

دست اوست، هزار ضربت شمشیر بر من آسان‌تر از مرگ در بستر استراحت، در مخالفت با خداست.)  
سنایی معتقد است که سعادت‌مندی امام از پیروزی ابن ملجم در به شهادت رساندن ایشان حاصل شده است:  
گفتم: ای حیدر می‌ای از ساغر شیران بخور      گفت فتح ما ز فتح زاده ملجم بود

(۱۳۴۱: ۲۶۶)

حیص بیص، نیز ضمن تأثیرپذیری از اشعار سنایی و با استفاده از این جمله مشهور علی (ع) پس از شهادت که «به خدای کعبه رستگار شدم»، سعادت حقیقی حضرت را در شهادت و به دست ابن ملجم می‌داند:

۱. یَرَى الْمُخْلِصُونَ الْغُرُّ أَنْ فِئَاءَهُمْ      بَقَاءً وَأَنَّ الْمَوْتَ أَشْرَفُ مَعْنَمٍ  
۲. كَقَوْلِ عَلِيٍّ مُعَلِّناً قَبْلَ مَوْتِهِ      لَقَدْ فُزْتُ وَالْيَتِ الْعَتِيقِ الْحَرَمِ  
۳. فَاصْبِحْ مَسْعُوداً بِشَقْوَةِ غَيْرِهِ      وَأَدْنَى لَهُ الْمَأْمُولِ كُفْرُ ابْنِ مَلْجَمِ

(۱۹۷۴، ج ۳: ۳۲۱)

(ترجمه: ۱. انسان‌های مخلص و پاکدامن، معتقدند که مرگشان نابودی نیست؛ بلکه بقا و ماندگاری است و مرگ بهترین غنیمت است. ۲. همچون سخن علی (ع) قبل از مرگش که گفت: به خانه محترم کعبه قسم که قطعاً رستگار شدم. ۳. پس با بدبختی دیگری خوشبخت شد و کفر ابن ملجم مرادی، او را به آرزویش رساند.)

### ۳. نتیجه

حیص بیص، شاعر عرب‌زبان قرن ششم هجری، معاصر سنایی غزنوی است که با آگاهی از مضامین اشعار سنایی، معانی شعر فارسی او را به نیکی دریافته و برخی از ابیات شعری او را در دیوان خود فی‌البداهه به زبان عربی ترجمه کرده است. آشنایی میان این دو شاعر، منجر به مبادلات ادبی و تأثیر و تأثر آن‌ها شده است؛ مضامین مدح علوی، از جمله مضامین مشترک اشعار دو شاعر است که بررسی آن در دیوان دو شاعر، نشان از آن دارد که حیص بیص، از طریق مبادله ادبی‌ای که با اشعار سنایی داشته، تحت تأثیر افکار و اندیشه‌های او به بیان عقاید شیعی خود و مدح علی (ع) پرداخته است. مسئله غدیر خم و امامت علی (ع)، شجاعت، عدالت، تقوا، علم، برادری با محمد (ص)، شهادت‌طلبی، سخاوت و بخشش، کرامات علی (ع) و بیان برتری مقام و منزلت ایشان از جمله درون‌مایه‌های مدایح علوی دو شاعر است. حیص بیص، مضامین مدحی خود را از اشعار سنایی، وام گرفته و در ادبیات خود به کار گرفته است. بررسی مشابهت‌های مضامین مدح علوی دو شاعر، حاکی از آن است که تأثیرپذیری حیص بیص، از سنایی، به صورت مستقیم و غیر معکوس بوده و برداشت دو شاعر از این مضامین یکسان است و تغییرات محسوسی در مضامین مشترک آن‌ها دیده نمی‌شود. از جمله ویژگی‌های اشعار دو شاعر، اقتباس از قرآن و احادیث شریف و استدلال به رویدادهای تاریخی برای اثبات فضیلت و برتری حضرت علی (ع) است. مضامین هر دو شاعر از صدق عاطفه بالایی

برخوردار بوده و از آنجا که شاعران سعی در بیان حقایق و تصویر حقیقت‌ها دارند، لذا مجال برای تصویر فنی تنگ است؛ بنابراین، عنصر خیال و تصاویر فنی در مدایح علوی هر دو شاعر ضعیف است زیرا هر دو سعی کرده‌اند از نظر محتوایی از حقیقت مطلب و اسناد تاریخی دور نباشند. غلوی در مدایح هر دو شاعر وجود ندارد و در اشعار آن‌ها علی (ع) به عنوان حقیقتی دینی، نماد شجاعت و علم و عدالت معرفی شده است.

#### ۴. پی‌نوشت‌ها

(۱) حکیم ابوالمجد مجدود بن آدم سنایی (۴۷۳-۵۴۵)، شاعر و عارف قرن ششم و از استادان مسلم شعر فارسی است. او بی‌تردید یکی از دستداران صدیق آل علی (ع) است و از جمله گویندگانی است که در تغییر سبک شعر فارسی و ایجاد تنوع در آن مؤثر بوده و آثار و منشأ تحولات شگرف در سخن گویندگان بعد از وی شده است (ر.ک: صفا، ۱۳۶۹: ۵۵۴-۵۶۵). او در میان شاعران و قصیده‌سرایان کهن از آن‌هایی است که پیام خاص و هدف معین دارد؛ پیام او دعوت به درون‌بینی و پرهیز از ظاهرپرستی و هدف او نیز مثل دیگر صوفیان جستجوی راه حق است (ر.ک: فتوحی و محمدخانی، ۱۳۸۵: ۳۴). وی را از بزرگان دین و اشراف روزگار دانسته‌اند و مولانا جلال‌الدین رومی، با وجود کمال و فضل، خود را از متابعان شیخ سنایی می‌داند (ر.ک: سمرقندی، ۱۳۸۲: ۹۵-۹۷).

(۲) ابوالفوارس شهاب‌الدین سعد بن محمد بن سعد صیفی تمیمی (۴۹۲-۵۷۴)، معروف به «حیص بیص» شاعر شیعی و فقیه مشهور عراقی است (ر.ک: ابن ابی اصیبعه، بی‌تا: ۳۸۰؛ ابن خلکان، ۱۹۶۹، ج ۲: ۳۶۵) او از داناترین افراد به زبان و ادبیات و شعر عرب بود و مردم علم و ادب بسیاری از او فراگرفتند و با زبان عربی اصیل با مردم سخن می‌گفت (ر.ک: حموی، ۱۴۱۴، ج ۳: ۱۳۵۳-۱۳۵۲). دیوان مشهوری دارد و در زمینه ادبیات اطلاعات وسیعی داشت و از فقه شافعی و مناظره بسیار آگاه بود (ر.ک: ابن عماد، ۱۴۰۶: ۴۰۹) در تمام اغراض شعر از جمله حماسه و مدح و رثا و حکمت هنرنمایی کرده است؛ اما اشعاری که در مدح دارد به گونه‌ای سروده شده است که باعث تمایز شاعر از شاعران عصرش می‌شود (ر.ک: جاسم و شکر، ۱۹۷۴: ۴۸-۴۹). عماد اصبهانی، حیص بیص را افضل و برتر شاعران و از فرزندان اکثم بن صیفی می‌داند که دارای جزالت و اصالت در شعر است (ر.ک: عماد اصبهانی، ۱۳۷۵: ۲۰۲). حیص بیص با سنایی ارتباطی مستقیم داشته است؛ او ابیاتی از سنایی در دیوان خود نقل کرده و فی‌البداهه آن را به عربی ترجمه کرده است که این مسئله، علاوه بر آگاهی شاعر عرب از مضامین اشعار سنایی، خود دلیلی بر فارسی‌دانی وی است؛ به عنوان نمونه، در دیوان خود چنین آورده است:

چون کار به قسمت است کم کوشی به	چون بنویسند حدیث خاموشی به
۱. وَإِنْ كَانَتْ الْأَرْزَاقُ تُجْرِي بِقِسْمَةٍ	فَتَرْتَكُ لِلْجَرِّصِ الْمَعْدَبِ أَكْرَمُ
۲. وَإِنْ كَانَ مُحْصَى كُلِّ قَوْلٍ تَقُولُهُ	فَصَمْتُكَ عَمَّا لَيْسَ يُعْبِكُ أَحْزَمُ

(حیص بیص، ۱۹۷۴: ج ۳: ۱۵۳)

(ترجمه: ۱؛ و اگر روزی‌ها بر اساس قسمت باشد پس دوری کردن تو از حرص عذاب‌آور، گرامی‌تر است / ۲؛ و اگر هر سخنی که می‌گویی شمارش شود، پس سکوت تو از آنچه به تو یاری نمی‌رساند زیرکانه‌تر است.)  
اینکه شاعری عرب با شاعر ایرانی هم‌روزگار خویش و نه شاعری از روزگاران کهن‌تر که گذشت زمان شعرش را پرآوازه

می‌سازد، چنان آشنا باشد که معانی شعر فارسی او را به نیکی دریابد و حتی آن را بی‌درنگ به عربی برگرداند، بی‌سابقه و با تکیه بر واقعیت‌های تاریخ ادب عربی بسیار بعید می‌نماید و شاید این نکته مؤیدی بر ایرانی بودن حیص بیص است (ر.ک: باقر، ۱۳۹۲، ج ۲۱: ۵۵۵).

## کتابنامه

### الف: کتاب‌ها

#### • قرآن کریم.

#### • نهج البلاغه.

۱. ابن ابی اصیبعه، ابوالعباس (بی‌تا)؛ **عیون الأنباء فی طبقات الأطباء**، تحقیق: نزار رضا، بیروت: دار مکتبه الحیاة.
۲. ابن خلدون، عبد الرحمن بن محمد (۲۰۰۴)؛ **مقدمة ابن خلدون**، حقه: عبدالله محمد الدرویش، الطبعة الأولى، دمشق: دار یعرب.
۳. ابن خلکان، أحمد بن محمد بن ابوبکر (۱۹۶۹)؛ **وفیات الأعیان وأنباء أبناء الزمان**، حقه: إحسان عباس، الطبعة الأولى، بیروت: دار صادر.
۴. ابن عماد، عبدالحی بن محمد (۱۴۰۶)؛ **شذرات الذهب فی اخبار من ذهب**، حقه: محمود الأرناؤوط، خرج أحادیثه: عبدالقادر الأرناؤوط، الطبعة الأولى، بیروت، دمشق: دار ابن کثیر.
۵. ابوالخیر، ابوسعید فضل الله بن احمد بن محمد بن ابراهیم (بی‌تا)؛ **دیوان رباعیات**، ناشر نسخه الکترونیک: [www.zoon.ir](http://www.zoon.ir).
۶. أبو فراس، الحارث بن أبی العلاء بن حمدان (۱۹۹۴)؛ **الدیوان**، شرح خلیل الدوبیہی، الطبعة الثانية، بیروت: دار الكتاب العربي.
۷. أمین، أحمد (۱۹۶۴)؛ **ضحی الإسلام**، الطبعة السابعة، القاهرة: مطبعة لجنة التألیف والترجمة والنشر.
۸. بسیونی، عبدالفتاح (بی‌تا)؛ **علم المعانی**، القاهرة: مکتبه الوهبة.
۹. جاسم، مکی السید وشاکر هادی شکر (۱۹۷۴)؛ **شرح دیوان حیص بیص**، عراق: مکتبه الدكتور مروان العطیة.
۱۰. الحسکانی، عبدالله بن أحمد (۱۴۱۱)؛ **شواهد التنزیل لقواعد التنزیل**، تهران: مؤسسه الطبع والنشر لوزارة الثقافة والإرشاد الإسلامی.
۱۱. الحموی، شهاب الدین ابو عبدالله یاقوت بن عبدالله رومی (۱۴۱۴)؛ **معجم الأدباء**، تحقیق: إحسان عباس، الطبعة الأولى، المجلد الثالث، بیروت: دار الغرب الاسلامی.
۱۲. حیص بیص، سعد بن محمد بن سعد بن الصیفی (۱۹۷۴)؛ **الدیوان**، حقه وضبط کلماته وشرحها وکتب مقدمته: مکی السید جاسم وشاکر هادی شکر، عراق: مکتبه الدكتور مروان العطیة.
۱۳. دیک الجز، ابو محمد عبد السلام بن رغبان (۱۹۹۲)؛ **الدیوان**، تحقیق وشرح: أنطوان محسن القوّال، الطبعة الأولى، بیروت: دار الكتاب العربي.
۱۴. الدلمی، مهیار (۱۹۲۵)؛ **الدیوان**، الطبعة الأولى، القاهرة: دار الکتب المصریة.

۱۵. رودکی سمرقندی، ابو عبدالله جعفر بن محمد (۱۳۷۳)؛ **دیوان**، نسخه سعید نفیسی، چاپ اول، تهران: نگاه.
۱۶. سبط بن التعاویذی، ابوالفتح محمد بن عبید الله (۱۹۰۳)؛ **الذیوان**، صححه: د. س. مرچلیوت، مصر: مطبعة المتطوف.
۱۷. سمرقندی، دولتشاه (۱۳۸۲)؛ **تذکرة الشعراء**، به اهتمام و تصحیح ادوارد براون، چاپ اول، تهران: اساطیر.
۱۸. سنایی، ابوالمجد مجدود بن آدم (۱۳۴۱)؛ **دیوان**، تهران: ابن سینا.
۱۹. \_\_\_\_\_ (بی تا)؛ **حديقة الحقيقة وشريعة الطريقة**، به کوشش علی محمد صابری، رقیه تیموریان، بهزاد سعیدی.
۲۰. شبّر، جواد (۱۹۸۸)؛ **أدب الطف أو شعراء الحسين**، الطبعة الأولى، بیروت: دار المرتضى.
۲۱. الشّهرستانی، ابو الفتح محمد بن عبد الکریم (۱۹۹۲)؛ **الملل والنحل**، علّق علیه: أحمد فهمي محمد، بیروت: دار الکتب العلمیة.
۲۲. صفا، ذبیح الله (۱۳۶۹)؛ **تاریخ ادبیات در ایران**، چاپ دهم، تهران: فردوس.
۲۳. الطّبري، محبّ الدّین أحمد بن عبدالله (۱۳۵۶)؛ **ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی**، القاهرة: مكتبة القدسي.
۲۴. الطوسي، محمد بن الحسن (۱۳۸۵)؛ **الأملی**، تهران: مؤسسه البعثة: مركز الطباعة والنشر.
۲۵. عماد اصبهانی، محمد بن محمد (۱۳۷۵) **خریدة القصر وجریدة القصر - قسم شعراء العراق**، حقّقه وضبطه وشرحه وتب مقدّمته: محمد بجمعة الاثری، أعدّ أصله وشارك في تحقیقه ومعارضة نسخة وصنع فهرسه: جميل سعد، المجلد الأول، مطبعة المجمع العلمي العراقي.
۲۶. فتوحی، محمود و علی اصغر محمدخانی (۱۳۸۵)؛ **شوریده‌ای در غزنه، اندیشه‌ها و آثار حکیم سنایی**، تهران: سخن.
۲۷. فخر الدّین الرّازی، أبو عبد الله محمد بن عمر (۱۴۲۰)؛ **التفسیر الکبیر**، الطبعة الثالثة، بیروت: دار إحياء التراث العربي.
۲۸. قرائتی، محسن (۱۳۸۳)؛ **تفسیر نور**، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
۲۹. قوامی رازی، بدرالدین (۱۳۳۴)؛ **دیوان**، به تصحیح میر جلال‌الدین حسینی آرموی، چاپ اول، تهران: چاپخانه سپهر.
۳۰. کعب بن زهیر بن ابي سلمی (۱۹۹۷)؛ **الذیوان**، حقّقه وشرحه: علي فاعور، بیروت: دار الکتب العلمیة.
۳۱. الماحوزی، أحمد، وجمع من طلبة مدرسة أهل الذّکر (۲۰۰۳)؛ **سلسلة الأحادیث الصّحیحة والحسنة فی فضائل الإمام علي (عليه السلام) برواية أهل السنّة والجماعة**، کویت: مكتبة الحسينية الجديدة.
۳۲. المجلسي، محمد باقر بن محمد تقی (۱۹۸۳)؛ **بحار الأنوار**، الطبعة الثالثة، بیروت: دار إحياء التراث العربي، رقمی الناشر: مركز القائمة باصفهان للتحرّيات الكمبيوترية.
۳۳. مطهری، مرتضی (۱۳۶۴)؛ **امامت و رهبری**، چاپ دوم، تهران: صدرا.
۳۴. مغنیه، محمد جواد (۲۰۰۶)؛ **الشّیعة فی المیزان**، حقّقه وعلّق علیه: سامي الغريزي، قم: دار الکتب الإسلامی، رقمی الناشر: مركز القائمة باصفهان للتحرّيات الكمبيوترية.
۳۵. الواحدي التیسابوري، علي بن أحمد (۱۹۶۸)؛ **أسباب النزول**، القاهرة: مؤسسه الحلبي وشركاه للنشر والتوزيع.

۳۶. همایی، جلال‌الدین (۱۳۸۹)؛ فنون بلاغت و صناعات ادبی، چاپ اول، تهران: اهورا.

### ب: مجلات

۳۷. انصاری، نرگس (۱۳۹۲)؛ «شعر شیعی فارسی و عربی در گذر تاریخ»، فصلنامه ادبیات دینی، شماره چهارم، صص ۱۶۷-۱۹۴.

۳۸. باقر، علیرضا (۱۳۹۲)؛ «حیص بیص»، دائرة المعارف بزرگ اسلامی، جلد بیست و یکم، صص ۵۵۵-۵۵۸.

۳۹. بیرانوند، نسرین؛ ناصر کاظم خانلو و پیمان معمارزاده (۱۳۹۴)؛ «ستایش حضرت علی در اشعار ناصر خسرو و سنایی»، کنفرانس ملی هزاره سوم و علوم انسانی، شیراز، مرکز توسعه آموزش‌های نوین ایران (متانا).

۴۰. محدثی، جواد (۱۳۷۷)؛ «شاعر ولایت و حریت؛ عبدی کوفی»، مجله فرهنگ کوثر، شماره ۲۴، صص ۴۴-۴۷.

۴۱. مرادی، ایوب و سارا چالاک (۱۳۸۹)؛ «سیمای امام علی (ع) در شعر سنایی»، مجله نامه پارسی، شماره ۵۳، صص ۳۷-۵.

۴۲. هادی، روح‌الله (۱۳۸۸)؛ «سیمای امام رضا (ع) در شعر پارسی از سنایی تا جامی»، بهار ادب، سال ۲، شماره ۲، صص ۱۵۵-۱۷۰.

### ج: منابع مجازی

[http://www.civilica.com/Paper-NCTMH01-NCTMH01\\_267.html](http://www.civilica.com/Paper-NCTMH01-NCTMH01_267.html)

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

بحوث في الأدب المقارن (فصلية علمية - محكمة)

كلية الآداب والعلوم الإنسانية، جامعة رازي، کرمانشاه

السنة السابعة، العدد ٢٦، صيف ١٣٩٦ هـ. ش/ ١٤٣٨ هـ. ق/ ٢٠١٧ م، صص ٦٣-٨٤

### دراسة مقارنة في مضامين المديح العلويّ بين «سنائي» و «حيص بيص»<sup>١</sup>

مریم رحمتي تركاشوند<sup>٢</sup>

أستاذ مساعد في قسم اللغة العربية وآدابها، جامعة رازي، کرمانشاه، إيران

بهاره رحيمي خليل اللهي<sup>٣</sup>

المجستير في فرع اللغة العربية وآدابها، جامعة رازي، کرمانشاه، إيران

#### الملخص

المديح العلويّ، بوصفه فرعاً من فروع فنّ المدح في الأدبين العربيّ والفارسيّ، أصبح ميداناً للشعراء لكي يعبروا به عن الحبّ وولائهم العلميّ بن أبيطالب (ع). يصف شاعر المديح العلويّ مقام الإمام وكراماته بعاطفة حقيقية وصادقة، يكون «سنائي» و «حيص بيص» من أبرز شعراء هذا الفنّ في القرن السادس؛ هناك في مدائحهما العلويّة وجوه مماثلة ومضامين مشتركة تدلّ على التفاعل الأدبيّ التّشيط بينهما نظراً للعلاقة التاريخيّة بين الشاعريّن. يرمي هذا المقال إلى دراسة مقارنة في المدائح العلويّة للشاعريّن دراسة دلاليّة اعتماداً على المنهجين التّاريخي والوصفيّ التحليليّ. ومن أبرز النتائج التي توصل إليها هذا البحث هي أنّ مسألة الغدير وولاية عليّ بن أبيطالب (ع)، وعلمه وكرمه وجوده وزهده وعدالته وشجاعته وحبّه للشّهادة في سبيل الله، ومقامه الرّيفيع وعلوّ شأنه من أهمّ المعاني المشتركة في مدائحهما العلويّة وتأثّر حيص بيص بمعاني مدائح سنائي العلويّة بشكل لا غبار عليه وانعكست تلك المضامين في أشعاره بصورة مباشرة. إنّ حيص بيص قد صور مناقب الإمام وفضائله متأثراً بأسلوب سنائي باستخدامه الآيات القرآنيّة والأحاديث وتفاديه الغلوّ والتّخاريف اللفظيّة اللهمّ إلاّ أنّ آيات المديح العلويّ عند سنائي وإطلاعه على الأحاديث المتعلّقة بفضائل عليّ (ع) يبدو أكثر وأعمق لأنّه تطرّق إلى ذكر بعض الأحاديث كحديث الأخوة بين عليّ (ع) و محمد (ص) وشرحه شرحاً مفصّلاً. إضافة إلى هذا، أنّ شخصيّة عليّ (ع) في أشعار كلا الشاعريّن أصبحت رمزاً للعلم والشّجاعة والعدالة.

الكلمات الدلّليّة: الأدب المقارن، الشّعر الفارسي والعربي، المدائح العلويّة، سنائي، حيص بيص.

١. تاريخ القبول: ١٤٣٨/١٢/٢٣

٢. تاريخ الوصول: ١٤٣٨/٧/٢٨

٣. العنوان الإلكتروني للكاتب المسؤول: Maryam\_rahmati85@yahoo.com

٤. العنوان الإلكتروني: baharehrahimi7@gmail.com